

خدا انجام دهد. در دنیا تجربه شده است که اگر کارگر این مطلب را احساس کند که شما نگران زندگی او هستید با اطمینان خاطر، خلاقیت و نوآوری کار می‌کند و این هزینه انجام شده، به سیستم باز می‌گردد.

پیوست فرهنگی، ساختارهای قانونی، ضمانت‌های اجرایی

ما مشغول نوشتن آیین‌نامه پیوست هستیم که باید پس از تنظیم، تصویب شود. در قانون برنامه پنجم، ماده ۲ آمده است: بعد از اینکه یک طرح، مهم تشخیص داده شد، لازم است پیوست فرهنگی داشته باشد. در آیین‌نامه پیش‌بینی کرده‌ایم که اگر شش ماه بعد از ابلاغ مهم بودن این طرح و لزوم داشتن پیوست فرهنگی مطالعات آن آغاز نشد، برنامه بودجه از تخصیص منابع جلوگیری کند. این‌ها ضمانت‌های اجرایی است که می‌شود در نظر گرفت. این مطلب را هم باید عرض کنم که در مسائلی مانند پیوست فرهنگی، ضمانت‌های قانونی لازم هستند اما کافی نیستند. تکیه‌گاه ما در این مسائل، سلامت نفس، مسلمان بودن و عشق افراد به وطن و مردم است؛ چون مثل این است که در مدرسه بگویند اگر نماز نخواند از مدرسه اخراج می‌شود. همه نماز می‌خوانند، اما بعد از مدتی همه به نماز بی‌علاقه می‌شوند.

نکته مهم در پیوست فرهنگی این است که یک مدیر واقعاً برای بازنگری در قوانین و دستورالعمل‌ها انگیزه پیدا کند و به‌طور جدی به فکر کارکنانش باشد. همه این‌ها به انگیزه‌های درونی نیاز دارد و آن ماده قانونی نقطه‌ای برای شروع است. کسانی که پیوست‌نگاری فرهنگی می‌کنند باید این هنر را داشته باشند که در طول پیوست‌نگاری، مدیر را نسبت به اهمیت و آثار مثبت این کار آگاه کنند. پیوست فرهنگی مستلزم شایسته‌سالاری نیز هست؛ یعنی باید آدم‌های متخصص و متعهد بر سر کار باشند تا اینکه وقتی پیوست فرهنگی را مطالعه می‌کنند، خودشان را از درون ملزم به اجرا ببینند.

مادر مدینه بودن شهردار هاما شکی نداریم، اما چند نفر از آن‌ها شهرشان را با ساختن مساجد متناسب با جامعه اسلامی مزین کرده‌اند؟ نمی‌دانم در شهر مشهد محله‌های تازه تأسیس به اندازه کافی مساجد زیبا دارند یا اینکه کیلومتر تا کیلومتر مسجد پیدا نمی‌شود! تهران که همین‌طور است، آنجا که مسجد می‌خواهیم مسجد

در دنیا تجربه شده است که اگر کارگر این مطلب را احساس کند که شما نگران زندگی او هستید با اطمینان خاطر، خلاقیت و نوآوری کار می‌کند و این هزینه انجام شده، به سیستم باز می‌گردد

مانع تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های بزرگ گذشته که همچنان استمرار دارند نیست. طرح عظیم هدفمندی یارانه‌ها که همراه با آثار مثبت و منفی است، تازه شروع شده است. اگر برای این طرح پیوست فرهنگی تهیه شود، با تغییر روش‌ها می‌شود آثار مثبت آن را افزایش و آثار منفی آن را کاهش داد.

گاهی یک طرح به‌طور کامل اجرا شده اما آثار منفی آن از بین نرفته است؛ برای این طرح نیز می‌توانید پیوست فرهنگی طلب کنید. فرض کنید یک کارخانه صنعتی ۱۵ هزار نفر کارگر دارد. قبل از اینکه این کارگران در کارخانه مشغول به کار شوند، کشاورز بودند؛ عصر از مزرعه می‌آمدند، به مسجد روستا می‌رفتند و یک روحانی مسائل شرعی و معارف دینی را می‌گفت. در نتیجه این کارگران در صدی از تدبیر، فضیلت، فهم و دانش دینی را پیدا می‌کردند. اما حالا این کارگر صبح از خانه بیرون می‌رود و هنگام غروب خسته به خانه برمی‌گردد، در حالی که ارتباطش با روحانی روستا قطع شده است. در شرایطی که فرزند آن کارگر محصل است و دیگر او قدرت تبیین دین برای فرزندش را ندارد؛ چون کارخانه‌دار رابطه او را با روحانی روستا قطع کرده است. اگر این کارخانه‌دار احساس مسئولیت می‌کند باید فکری برای این شرایط بردارد. البته این به معنی برگزارد کردن مجلس روضه آن هم به‌طور روزانه در کارخانه نیست! کارخانه‌دار باید برای کارگران و خانواده‌هایشان آموزش‌های مختلف را پیش‌بینی کند. ما مدعی هستیم که هر نوع سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها در تولید و بازدهی اثر دارد. البته مدیر کارخانه باید این کار را برای رضای

محیط‌هاست؛ در شرایطی که مردم‌سالاری وجود دارد و رضایت توده مردم موضوعی است که یک مدیر سالم آن را پیگیری می‌کند، اگر همه مراجع‌کنندگان حل مشکلات روزمره را از مدیر بخواهند، این مباحث فراموش خواهد شد. باید نخبگان و تشکلهایی باشند که این موضوع را پیگیری کنند؛ مثلاً سراغ مدیر مسکن و شهرسازی بروند و بگویند ما نسبت به این معماری که دارد در شهر اصفهان متولد می‌شود حرف داریم، اعتراض داریم و خودمان هم آماده همکاری هستیم. مشکل ما این است که نخبگان امر به معروف را فقط در چارچوب‌های فردی دنبال می‌کنند، در حالی که کسی که دکترای معماری دارد و معماری اسلامی را می‌فهمد، وظیفه امر به معروف او در مواردی از این قبیل است و باید نسبت به این‌ها عکس‌العمل نشان دهد.

توجیه فرهنگی در کنار توجیه اقتصادی

باید برای هر پروژه سلسله‌ای از مطالعات باشد که: ۱. توجیه اقتصادی آن پروژه را بررسی کند. ۲. نسبت آن پروژه را با محیط زیست بررسی کند. ۳. نسبت آن پروژه را با فرهنگ بررسی کند. در سراسر دنیا مجلس و نخبگان به عنوان نظارت‌کنندگان و مطالبه‌کنندگان تصمیم‌گیری‌های صحیح هستند.

نیاز طرح‌های اجرا شده به پیوست فرهنگی

ضمانت اجرایی پیوست‌نگاری فرهنگی به فرآیند فرهنگ‌سازی و دیدن درست مسئله برمی‌گردد. این درست است که باید از این به بعد هر طرحی را که شروع می‌کنیم پیوست فرهنگی داشته باشد، اما این موضوع

شهری لحظه به لحظه کمرنگ‌تر می‌شود. در حالی که همه مشهدی‌ها از برکت این معنویت استفاده می‌کنند، کمرنگ شدن معنویت مشهد باعث می‌شود که خیلی‌ها ترجیح بدهند به جای سفر به مشهد، به کیش سفر کنند! دیگر دلشان از دوری مشهد نمی‌گیرد. این در حالی است که اگر کسی از هم‌نسلی‌های ما حداقل هر سال یک‌بار به مشهد نیاید ناآرام است!

اگر به پیوست‌های فرهنگی توجه می‌شد، برای هر تصمیم بزرگی که در مشهد اتخاذ می‌شد، مسیرش به سمت معنویت حرم امام رضا (ع) باشد؛ یعنی این معنویت را تقویت کند و هم‌افزایی داشته باشد. اگر یک مجموعه تفریحی ساخته می‌شود، آن مجموعه باید نسبتی با امام رضا (ع) و معنویت مشهد داشته باشد. بعضی‌ها چون این‌ها را ندیده‌اند، می‌گویند شعار ندهید! اما ما در تجارب کشورهای مختلف دیده‌ایم که شعار نیست؛ در ژاپن شهر بازی‌هایی وجود دارد که بازدیدکنندگان با صندلی‌های گردان، زیر تپه‌ای حرکت می‌کنند و همراه با نور و صدا جنگ‌های ۲۰۰ سال اخیر و فداکاری‌هایی را که ژاپنی‌ها برای کشورشان کردند مشاهده می‌کنند. بعد از یک ساعت، وقتی از این صندلی‌ها پیاده می‌شوند، نگاه جدیدی نسبت به وطن پیدا کرده‌اند؛ از اینکه برای این وطن چقدر هزینه داده شده است تا امروز بتوانند از رفاهش استفاده کنند. حالا تصور کنید که در پارک‌های تفریحی ما روایت‌هایی از حوادث تاریخ اسلام، ماجرای ولایت‌عهدی امام رضا (ع)، شهادت امامزاده‌ها و... نمایش داده شود. آن وقت است که علاوه بر ایجاد فضای معنوی در کنار زیارت امام رضا (ع)، جریان اقتصادی قابل توجهی در مشهد به وجود می‌آید. این مسئله فقط در مشهد نیست، در قم نیز همین اتفاق در حال رخ دادن است. اصفهان هم دارد هویت فرهنگی خودش را از دست می‌دهد. در معماری لجام گسیخته وارداتی غریبی، یزد هم دارد از بین می‌رود. این‌ها سرمایه‌های تاریخی ما هستند که مقام معظم رهبری تذکرات لازم را درباره‌شان داده‌اند، اما مدیران اجرایی توقفی ایجاد نکرده‌اند.

مطالبه پیوست فرهنگی از مدیران توسط نخبگان و تشکلهای

خطاب من عمدتاً با نخبگان این